

از لابلای یادداشت‌ها و نوبت‌های روزمره ام

## افغانستان در مجموعه بهم پیوسته ستراتیژی‌های منطقی بررسی قضایای کشور در متن ژئوپولیتیک آسیای جنوب شرقی ستراتیژی‌های جهانی در مورد کشور عزیز ما افغانستان

افغان‌ها همیشه در تعامل سیاسی بازنده بوده‌اند  
مطالعه بستر واقعیت و چشم بستن بر اصل زمان  
فقدان هویت یکپارچه برای پهنه متکثر  
محورهای متضاد سیاست منطقی

عبارت ژئوپولیتیک از "ژئو" به معنای زمین و "پولیتیک" به معنای سیاست تشکیل شده است. تعریف‌های متعددی از واژه ژئوپولیتیک از جانب علمای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیا صورت پذیرفته است. گاهی اوقات در بعضی از تعاریف، ژئوپولیتیک معادل جغرافیای سیاسی خوانده شده است. اما اکثر دانشمندان ژئوپولیتیک قایل به جدایی حوزه‌های ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی می‌باشند. دانشنامه روابط بین‌الدول و سیاست جهان، ژئوپولیتیک یا جغرافیای سیاسی را بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولتها می‌داند. این که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و یک تکه زمینی که یک دولت بروی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آنرا در سلسله مراتب دولت‌ها تعیین می‌کند. عده‌ای هم موضوع ژئوپولیتیک را مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت‌ها می‌دانند. نقش ویژگی‌های سرزمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، و ویژگی‌های جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و نحوه عملکرد نظام سیاسی، از مسایل مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی پذیرفته می‌شود. بحث در مورد روابط بین‌المللی از این دیدگاه نیز مطرح می‌گردد.

بمنظور تداخل در اصل قضیه مورد بحث کنونی، یاددهانی این مسأله از اهمیت قابل‌ذکری برخوردار می‌باشد که که ده‌ها اتاق فکر در سراسر جهان در حال کار در مورد دستیابی به راه حل "مسأله افغانستان" بوده، صدها مقاله در مورد نگارش یافته، سیستم وسیعی از گفتگوهای جهانی، منطقه‌یی دوجانبه، سه‌جانبه و چهارجانبه نیز در مورد راه‌اندازی گردیده است.

متذکر باید گردید که قبل از انزواگرایی‌هایی که بر پیکر کشور ما تحمیل گردید، کنفرانسها و گردهمایی‌های متعدد بین‌المللی و منطقی در مورد افغانستان و هر آنچه مربوط به رویدادهای میهن عزیز ما بود، بگونه مکرری بکار آغاز نموده و بررسی‌ها و پژوهش‌های بیشماری در مورد چگونگی انکشاف قضایای این خطه باستانی انجام گردید.

برای آن‌عده از سازمان‌های بین‌المللی که سروکارشان با مسایل امنیتی می‌باشد، "معضله افغانی" به مهم‌ترین موضوع مورد بحث آنها مبدل گردیده است. در عین حال، از جمله مسایل قابل‌بحث یکی هم اینکه کشور عزیز ما با موجودیت سایر معضلات و مشکلات موجود، اما بمثابة عامل و فاکتور اتحاد در عرصه روابط بین‌المللی نیز محسوب می‌گردد. طی روزهای پسین، قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد کشور ما بگونه نادر با اتفاق آراء به تصویب می‌رسد. کشورهایی که در مورد سیاست جهانی کاملن در مخالفت و ضدیت باهمدیگر قرار دارند، اما در مورد چگونگی رویکردهای شان بمنظور حل و فصل قضایای کشور ما با هم همنوا بوده و در زمینه باهم کار می‌نمایند.

در شرایط و وضعیت کنونی، کشور عزیزما از نو به مرکز توجه جامعه جهانی مبدل گردیده است. طی ماه سنبله در دوحه، مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی آغاز گردیده و این برای نخستین بار بود که میان نماینده‌های دولت و "طالب"ها، گفتگوهای مستقیم و رودررو انجام گردید.

بخاطر باید داشت که هم "مسأله افغانستان" و هم چگونگی مُدل جدید صلح و امنیت که مورد مذاکره گفتگوکننده‌ها را تشکیل می‌دهد، از ابعاد سه گانه داخلی، منطقوی و جهانی متشکل می‌باشد.

در مورد عامل و فاکتور جهانی باید یادآور شد که جامعه جهانی با انجام تلاشهای مشترک شان بمنظور قطع جنگ و تأمین و اعاده صلح در سرزمین کشور ما سعی ورزیده و در صدد آن شدند تا طرف های اصلی منازعه و درگیر ی های نظامی و برخورد های مسلحانه را بدور میز مذاکره و گفتگو حاضر نمایند.

نباید فراموش خاطر ما گردد که بیشترین بخش بودجه مصرفی کشور ما توسط کمک های خارجی تأمین میگردد. در زمستان سال پار، کنفرانس ژنیو در مورد افغانستان آغاز بکار نمود که زمینه گفتگوها میان دولت و کشورهای کمک کننده با افغانستان را فراهم نمود. در نتیجه کار کنفرانس تصمیم بعمل آمد تا با ارائه کمک ها، بویژه طی چهار سال پیشرو به معاونت کشور ما همت گماشته و در مقابل، دولت نیز با اجرای ریفورم و اصلاحات مشخصی در کشور مبادرت ورزد. تجربه کنفرانس ها و گردهمایی های دوگانه قبلی عملن اثبات رسانید که کشور ها و دول کمک کننده، مبالغ و عده داده شده در مورد را تهیه و مهیا نمودند، اما اجرای مواردی که از جانب دولت انتظار داشتند، کار را بجایی نبرده و وضعیت در مجموع کشور، متشنج تر و بدتر از قبل گردید.

پس از کنفرانس بروسل طی سال ۱۳۸۵ کشور های کمک کننده، مبلغ ۱۵,۲ میلیارد دلار را بمنظور انکشاف کشور ما در نظر گرفتند. دولت افغانستان در مورد وضاحت بخشید که از جمله مجموع ۶۳ تعهد، باجرای ۱۸ تعهد موفق گردید. اما با وجود اینهمه، در ماه های پایانی سال پار، در ژنیو تصمیم بعمل آمد تا سالانه کمک های مالی ۸ میلیارد دلاری به کشور ما اختصاص داده شود.

قابل یاد دهنانی پنداشته می شود که پشتیبانی سیاسی از پروسه حل و فصل سیاسی قضایای کشور ما بسطح عالی انجام پذیرفت. بتاريخ ۱۶ ماه سنبله سال روان، شورای امنیت سازمان ملل اعلامیه ای در مورد تداوم مأموریت صلح در کشور ما را بتصویب رسانید. اعضای شورای امنیت سازمان ملل، طرف های شرکت کننده در مذاکرات میان افغانی را تشویق نمودند تا با اقدامات قاطعی در امر پیشبرد و انجام مؤفقا نه گفتگوهای حاضر سعی بعمل آورند. آرزومندی های اینچنینی توسط بسیاری از طرف های موجود بین المللی نیز ابراز گردید تا مذاکرات یاد شده، تداوم حاصل نموده و منتج به تصمیمگیری های سرنوشت ساز بمنظور تحکیم صلح پایدار و امنیت سراسری در کشور گردیده و گفتگوها و مذاکرات میان افغانی چنانچه از نام آن پیداست، توسط خود افغان ها و به مالکیت افغان ها و مطابق منافع و مصالح علیای توده های میلیونی کشور هدایت گردیده و به نتایج دلخواهی نایل آید. این مسأله قابل دقت و تأمل پنداشته می شود که در مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، عده ای از شرکت کننده ها و حکومت های علاقمند از طریق ویدیو کنفرانس نیز وصل گردیده و جریان ملاقات و گفتگوها را تعقیب نمودند. اما، همه با این واقعیت هم نظر میباشند که مهندس و معمار عمده مذاکرات و گفتگوها، بمفهوم اخص کلمه، و اشنگتن پنداشته می شود.

تفاهم در مورد تداوم گفتگوها، بخشی از توافقات بدست آمده میان امریکایی ها و "طالب"ها طی ماه دلو سال پار در قطر محسوب می گردد. طی معاملات که میان طرف های ذکر شده حصول گردید، در مورد عودت نظامیان ایالات متحده از سرزمین متعلق به کشور ما و رهایی پنج هزار زندانی "طالب"، توافق بعمل آمد. بسیاری ها چنین می پندارند که شرکت نه تنها نماینده های دولت، بلکه همچنان سهمگیری نماینده های اقشار مختلف اجتماعی، نماینده های اپوزیسیون و شخصیت های اجتماعی، بخودی خود نمایندگی از فرآگیر بودن مذاکرات می نمود.

رئیس جمهوری ایالات متحده در صدد آن شد تا از اصل فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان و عراق بویژه در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری کشورش استفاده ایزاری بعمل آورد. دونالد ترامپ بمنظور ارائه تصویری از خودش بمنابا معمار صلح تلاش می ورزد تا با استفاده از هر وسیله ممکن نظامیان کشورش را بخانه بازگرداند. اما از واقعیت ها و عوامل و فاکتور های اقتصادی نیز نباید چشم پوشی بعمل آید.

از نقطه نظر ترامپ، جنگ در اراضی افغانستان، بیشتر از این برفع ایالات متحده نخواهد بود. بگفته نامبرده مبالغ نهایت هنگفتی از وجوه مالی برای آغاز و تداوم کارزار جنگی براه افتاده در افغانستان اختصاص داده شد. مطابق آمار و ارقام ارائه شده توسط وزارت دفاع ایالات متحده، مصارف مجموعی ایالات متحده از ماه اکتبر سال ۲۰۰۱

الی ماه سپتامبر سال ۲۰۱۹ در حدود ۷۷۸ میلیارد دالر تخمین می گردد. در جریان سال های ۲۰۱۰-۲۰۱۲، در زمان زمامداری بارک اوباما که بتعداد جنگجویان گروهبندی های یادشده افزایش بعمل آمد، قیمت جنگ به یکصد میلیارد دالرافزایش حاصل نمود. در زمان بقدرت رسیدن دونالد ترامپ درواشنگتن، درصدد آن شدند تا از مبالغ اختصاص داده شده بمنظورانجام و تداوم عملیات های بی مفهوم و بی نتیجه جنگی در افغانستان کاسته و در عوض، مبالغ معینی را بمنظورانجام و پیشبرد تعلیم و تربیه نظامی و آموزش های حربی قوت های مسلح کشور ما هزینه نمایند. با وجود اینهمه، باید یادآور شد که مصارف ایالات متحده در افغانستان سالانه به ۴۰ میلیارد دالر تخمین گردیده که بعقیده ترامپ، ضرورت آن احساس می گردد تا چنین مصارفی بگونه گلی تقلیل یابد. قا بل یاددهانی پنداشته می شود که امریکایی ها بیشتر از این، از تداوم جنگ و درگیری های مسلحانه بویژه در افغانا نستان خسته و درمانده شده اند. افغان ها نیز در اینمورد، دست کمی از امریکایی ها ندارند. مطابق آمارهای رسمی نشرشده، پس از بقدرت رسیدن اشرف غنی بمثابه رئیس جمهورکشورتا کنون بیشتر از ۴۵۰۰۰ تن از کارمندان و همکاران امنیتی کشور از زندگی ساقط گردیدند. طبق احصائیه ها و آمار سازمان ملل، طی سال ۱۳۸۸، بیشترین تعداد افراد ملکی کشور بخاک و خون کشیده شدند. تاکنون این تلفات رقم یکصد هزارتن از افراد ملکی بیدفاع کشور را تشکیل می دهد.

درمورد عامل و فاکتور داخلی، درگام نخست باید یادآور شد که اقتصاد کشور، قسمن یا کُلن ویران شده است. به قرار گزارش های بنشر رسیده، عاید سرانه تعداد ۹۰ درصد از اهالی کشور، روزانه ۲ دالرتخمین گردیده که با چنین وضعیتی در فقر کامل بسر می برند. بنابراین، عمده ترین هدف عبارت از تأمین امنیت و استقرار صلح سرا سری درکشور می باشد. تذکر این مسأله را نباید فراموش نمود که بسیاریها در داخل کشور به مذاکرات و گفتگوها میان دولت و "طالب"ها شکاک می باشند. دلایل چنین عدم اعتماد به مذاکرات و گفتگوهای موجود آشکار و هویدا بوده و برای همه قابل فهم می باشد. "طالب"ها بازادی زندانیان شان دست یافته و به متقاعد ساختن امریکایی ها در زمینه فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان نیز موفق گردیدند، اما حتا با چنین وضعیتی، در سطح خشونت ها درکشور کاهش یافته عمل نیآمده بلکه بیش از پیش، حتا در جریان مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی نیز درگیری های اینچنینی تداوم کسب نموده و به تعداد آنها نیز افزایش چشمگیری بعمل آمد.

متأسفانه درکشور عزیز ما، اصل منافع ملی و مصالح کلان همگانی و وطنی فدای منافع گروهی، قومی، سمتی و نژادی گردیده و تعریف مشخص و معینی از منافع ملی بگونه گلی ارائه نگردیده است. بنابراین، با در نظر داشت منافع منحصر بفرد گروه های موجود درکشور، از مجموعه منافع ملی باید تصویر قابل فهمی ارائه گردد. بدینترتیب، بُعد داخلی "مسأله افغانستان"، بگونه مستقیمی با موجودیت مجموعه ای از عوامل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و مذهبی و سلسله عوامل بیشمار دیگر، سبب عدم وحدت و همبستگی داخلی درکشور گردیده و در نقطه مقابل عامل و فاکتور بُعد جهانی قرار دارد.

در باره عوامل و فاکتورهای موجود، باید یادآور شد که در شرایط اینچنینی، عامل مهم و فیصله کننده در پروسه صلح درکشور را همانا بُعد منطوقی آن تشکیل می دهد. درباره چگونگی بازسازی کشور عزیز ما افغانستان و احیای جامعه افغانی بگونه گلی آن نه تنها قدرت های بزرگ جهان، بلکه بیشتر از همه، کشورهای منطقه و دولت های کشورهای همجوار افغانستان علاقمنند می باشند.

دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور عزیز ما پرسشی را باین شرح مطرح مینمایند که آیا ممکن است "طالب"ها در برنده شدن کاندیدی در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، نقشی ایفا نمایند؟ آیا سازمان های دهشت طلب از امکانات تأثیرگذاری مؤثر بر سیاست های ایالات متحده برخوردار می باشند؟ قرار اطلاعات موجود، در وضعیت و شرایط کنونی، اسناد و شواهدی دال بر این واقعیت موجود می باشد که "طالب"ها بصورت نه کاملن واضح و آشکاری در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده مداخله نموده و بگونه دوفاکتور در مجموعه انتخابات یادشده اثرگذار می باشند.

ناظران چنین میندازند که "طالب"ها با تیم انتخاباتی ترامپ به توافق رسیده اند تا در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده بگونه واقعی آن، سهمگیری نمایند. طبق اظهارات وزارت امور خارجه کشور، "طالب"ها در نتیجه گفتگوهای قطر، در مورد اعلام آتش بس شش ماهه درکشور موافقت نمودند. اگر واقعن چنین شود، بنابر آن دو ماه نخست بدون درگیری های مسلحانه درکشور با مرحله نهایی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده همز مان خواهد بود که میتواند بمثابه برگ برنده سیاسی برای دونالد ترامپ در امر مبارزه بمنظور رهیابی مجدد به

کاخ سپید پنداشته شود.

در شرایط و وضعیت کنونی، بیش از هر موقع دیگر، این واقعیت بر ملاً گردیده که "طالب"ها بگونه دوفاکتو در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده مداخله می نمایند. دسته انتخاباتی دونالد ترامپ از مسأله فوق بگونه گسترده و وسیعی استفاده بعمل آورده و درصدد آن می باشند تا از چنین وضعیتی بمثابه فرصت طلایی بنفع خودشان استفاده ابزاری بعمل آورند. در اینجا سخن از ابتکارات دوگانه دسته انتخاباتی دونالد ترامپ در ارتباط با کشور ما مطرح بحث می باشد: فراخواندن اجباری نظامیان امریکایی از سرزمین افغانستان، این اولین و دوم هم اینکه رأی دهندهای امریکایی را باین امر متقاعد نمایند که دونالد ترامپ توانایی و ظرفیت تأمین صلح و اعدا ده ثبات در کشور ما را داشته و قادر است تا طرف های درگیر جنگ در کشور ما را بدور میز مذاکره و گفتگو حاضر نماید. دونالد ترامپ و دسته انتخاباتی اش درصدد آنند تا قبل از اوج گیری مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، معضل یادشده را حل و فصل نمایند. این مسأله بگونه جدی قابل توجه پنداشته می شود که اگرچه شرکت کنندهای گفتگوهای میان افغانی تاکنون در مورد شیوه کار آغاز و چگونگی تداوم مذاکرات و گفتگوها به نتیجه قناعت بخشی نایل نگردیده اند، اما ترامپ از قبل در مورد تکوین تغییرات جالبی در آیندهای نزدیک خبر می دهد. مطابق اطلاعات و خبرهای داده شده توسط منابع خبری، ترامپ علاقمند است تا همه نظامیان کشورش را از اراضی افغانستان فراخوانده و الی بهار سال ۲۰۲۱ تعداد مجموعی آنها را به صفر تقرب بخشد، موضوع فوق توسط مایک پامپو، وزیر امور خارجه آن کشور اظهار گردید. وسایل اطلاعات جمعی ایالات متحده گزارش می دهند که دونالد ترامپ در مقایسه با بارک اوباما در مسایل مربوط با افغانستان موفقیت های چشمگیری داشته است. بارک اوباما طی سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ به کرات اعلام نمود که به جنگ و درگیری های مسلحانه در افغانستان پایان می بخشد، اما توفیقی در اینکار نصیبش نگردیده و در نتیجه، نظامیان بیشتری را به کشور ما اعزام نمود. اما دسته انتخاباتی ترامپ اظهار نمود که قوت های نظامی ایالات متحده الی ماه می سال ۲۰۲۱، سرزمین افغانستان را بگونه کلی ترک خواهند نمود. تیم انتخاباتی دونالد ترامپ، اظهارات جویبیدن را که در صورت انتخاب شدن به پست ریاست جمهوری، با حفظ و تداوم حضور کمتر از ۲ هزار نظامی امریکایی در افغانستان و خاورمیانه موافق خواهد بود، مورد انتقاد قرار دادند.

بگونه مشخص باید خاطر نشان نمود که طی نخستین روزهای آغاز گفتگوهای میان افغانی در دوحه، دسته انتخاباتی دونالد ترامپ با کنجکاوی منحصر بفردی اظهار نمودند که در مورد برقراری آتش بس شش ماهه با طرف مقابل موافق می باشند. در اینمورد قابل یاددهانی پنداشته می شود که طرفندهای سیاسی دونالد ترامپ و دسته انتخاباتی نامبرده، از همین اکنون در حال بکارگیری و استفاده از موقعیت کنونی وضعیت منحصر بفرد سیاسی - نظامی در کشور ما می باشند.

در وضعیت کنونی و شرایط امروزی، ترامپ با استفاده از وعدهای انتخاباتی در مورد تأمین ثبات در افغانستان و فراخواندن نظامیان کشورش، در نظر دارد تا در مقایسه با رقیب انتخاباتی اش، برگ برنده ای بمنظور عودت دوباره و اسکان مجدد در کاخ سپید بدست آورد.

یکشنبه ۱۳ ماه میزان سال ۱۳۹۹ خورشیدی